

# بحثی پیرامون مشروعیت دادگاه جنایی بین‌المللی

مرتضی درویشیان

قاضی دادرسی نظامی تهران

تأسیس دادگاه‌ها متجلی می‌شود، مجازات مجرمین به منظور ارباب مجرمین بالقوه است، اما چیزی که تاکنون در صحنه بین‌الملل مشاهده شده، این است که اعمال مجرمانه این دسته از مجرمین بلاعقاب مانده و بزرگ‌ترین مجازات آنان برکناری از شغل و زندگی در ویلاهای خصوصی با خدم و وحشم است که در این زمینه می‌توان به زندگی "ژنرال پینوشه" دیکتاتور سابق شیلی و تلاش مردم این کشور در محاکمه این فرد اشاره کرد که تاکنون بی‌نتیجه مانده است.

به تعبیر یکی از مقامات سابق سازمان ملل که در کمیسیون حقوق بشر فعالیت می‌کرده است در حال حاضر، تعقیب و مجازات فردی که یک نفر را کشته است به مراتب ساده‌تر از تعقیب و مجازات فردی است که صدها هزار نفر را کشته است.<sup>(۱)</sup> با توجه به این واقعیت تلخ، جرم‌شناسان اعتقاد دارند که باید احساس مصونیتی را که مقامات سیاسی، دولتی، نظامی و حزبی کشورها در سایه آن اقدام به جنایت علیه بشریت می‌کنند،

طراحی و امکان ایجاد یک ارگان جزایی بین‌المللی بررسی و نظریه خود را اعلام کند. به موازات این اقدامات، بروز فجایعی مانند کشتار دو میلیون انسان بی‌گناه در کامبوج توسط گروه کمونیستی خم‌های سرخ، قتل عام مردم بی‌گناه در موزامبیک، لیبیا، السالوادور و کشورهای دیگر، مقامات جامعه بین‌الملل را بیشتر به تشکیل دادگاه جنایی بین‌المللی ترغیب کرد تا اینکه در هفدهم جولای ۱۹۹۸ م، با توجه به درخواست‌های مکرری که در این زمینه از سوی کشورهای مختلف صورت می‌گرفت، تأسیس دادگاه جنایی بین‌المللی به تصویب مجمع عمومی رسید.<sup>(۲)</sup>

طبعاً بخشی از اهداف تأسیس دادگاه جنایی بین‌المللی، می‌تواند همان اهدافی باشد که دادگاه‌های عادی به آن منظور تأسیس شده‌اند اما به لحاظ وجه بین‌المللی این دادگاه‌ها، می‌توان موارد دیگری را به شرح زیر به آن افزود:

یکی از اهداف تبیین مجازات که قهرآ

از زمانی که سازمان ملل متحد، نیاز جامعه بین‌الملل به تأسیس یک دادگاه جنایی بین‌المللی را به منظور تعقیب جرایمی همچون نسل‌کشی و پاکسازی قومی به رسمیت شناخت، بیش از پنجاه سال می‌گذرد.

سازمان ملل در نهم دسامبر سال ۱۹۴۸ م، به موجب قطعنامه ۲۶۰ در مجمع عمومی، با تأکید بر این موضوع که در تمام ادوار تاریخی، نسل‌کشی، خسارات غیر قابل جبرانی بر بشریت وارد کرده است، درخواست کرد که به منظور تأمین آزادی‌های مردم جهان در برابر این اقدامات ضد بشری، قطعنامه‌ای جهت مجازات مرتکبین جرایم علیه بشریت به تصویب برسد.

این قطعنامه پس از طی مراحل مختلفی به تصویب رسید و در بند یک قطعنامه مذکور، نسل‌کشی به عنوان جرمی که قابل محاکمه در دادگاه جنایی بین‌المللی است، بر شمرده شد و در بندش آن، دادگاه صالح جهت رسیدگی به این نوع جرایم، دادگاه محل وقوع جرم اعلام شد. مجدداً سازمان ملل در قطعنامه مشابهی از جامعه بین‌الملل در خواست کرد که در مورد



از آنان سلب کرد. لذا به موجب این ایده جرم‌شناسان و تبیین‌گران سیاست جنایی پیشنهاد کرده‌اند که بر خلاف دادگاه "نورنبرگ" که فقط مباشرین جرم را تحت تعقیب قرار داد، از این مرحله به بعد، می‌بایست طراحان، سیاستمداران و ایدئولوگ‌های حزبی نیز که در پشت این جنایات قرار دارند، محاکمه شوند.

عنوان مقاله: بررسی مفهوم عدالت در جرم‌شناسی

جرم‌شناسان منازعات قومی، ملی، نژادی و مذهبی را زمینه‌ساز جنایات علیه بشریت می‌دانند مانند آنچه در آلمان نازی، یوگسلاوی سابق، فلسطین اشغالی و عراق رخ داده است و لذا یکی از مأموریت‌های دادگاه مذکور، باید مداخله به موقع در این گونه مناقشات و پایان دادن به آنها باشد.

عنوان مقاله: نقش جرم‌شناسی

سازمان ملل، یکی از اهداف اولیه خود را حفظ صلح در جهان و گسترش عدل می‌داند تا بدین وسیله بتواند حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین مردم جهان را تأمین کند، بدیهی است که صلح بدون وجود عدالت به دست نمی‌آید و عدالت نیز بدون وجود یک دادگاه مقتدر و دائمی ایجاد نمی‌شود. پس دنیا باید یک دادگاه جنایی بین‌المللی داشته باشد که این صلح و امنیت را تضمین کند.

عنوان مقاله: عدالت در جرم‌شناسی

در هر زمان که دادگاه‌های جنایی بین‌المللی به‌طور مقطعی و برای رسیدگی به یک موضوع خاص تشکیل می‌شوند، بحث در مورد این دادگاه‌ها از وجاهت و مشروعیت یک دادگاه صرف نظر از جنبه بین‌المللی آن برخوردار هستند یا خیر به وجود می‌آید و پس از پایان مأموریت آنان این بحث‌ها نیز به فراموشی سپرده می‌شود اما با تصمیم جدید سازمان ملل مبنی بر تأسیس دائمی این دادگاه، این موضوع بایستی به‌طور جدی مورد رسیدگی قرار گیرد.

با توجه باینکه اظهار نظر پیرامون مسایل

بین‌المللی، همواره متأثر از ملاحظات سیاسی است، لذا اظهار نظر در مورد مشروعیت دادگاه‌های جنایی بین‌المللی نیز همواره از این منظر مورد نقد و بررسی قرار گرفته است اما ما در این مقاله و قبل از ورود به بحث اصلی، سعی می‌کنیم که این دادگاه‌ها را با دادگاه‌های عادی مورد مقایسه و سنجش قرار داده و سپس با استفاده از معیارهایی که به دادگاه‌های عادی مشروعیت می‌بخشد، مشروعیت دادگاه‌های جنایی بین‌المللی را مورد بررسی مجدد قرار داده و سپس با استفاده از این معیارها و جنبه بین‌المللی آن، به قضاوت نهایی بنشینیم.

عنوان مقاله: عدالت در لغت به معنای رعایت "مروت" است و مروت عبارت است از انصاف به‌اموری اعم از فعل و ترک فعل که در تمام جوامع به‌حسب زمان و مکان و شأن پسندیده است و این امور باید به حالت ملکه برسد.<sup>(۳)</sup>

"عدالت" در لغت به معنای رعایت "مروت" است و مروت عبارت است از انصاف به‌اموری اعم از فعل و ترک فعل که در تمام جوامع به‌حسب زمان و مکان و شأن پسندیده است و این امور باید به حالت ملکه برسد.<sup>(۳)</sup> عادل بودن قاضی و داشتن صفت عدالت از مهم‌ترین ویژگی‌های یک دستگاه قضایی است، و در واقع هدف اصلی از تأسیس دادگاه‌ها ایجاد و گسترش عدالت در جامعه است که بدون وجود قضاتی عادل ایجاد آن ممکن نیست.

به تعبیر دیگر عدل و انصاف به معنای گذاشتن پایه حق بر مساوات برابر قانون و احترام

با توجه به این واقعیت تلخ، جرم‌شناسان اعتقاد دارند که باید احساس مصنوعیتی را که مقامات سیاسی، دولتی، نظامی و حزبی کشورها در سایه آن اقدام به جنایت علیه بشریت می‌کنند، از آنان سلب کرد.

به حقوق افراد می‌باشد و بدیهی است که تجلی این عدالت در صدور احکام عادلانه و اجرای آن است.

عنوان مقاله: عدالت در جرم‌شناسی

پرواضح است که صرف صدور احکام عادلانه از سوی قضات عادل منجر به ایجاد عدل و داد در یک جامعه نمی‌شود و تحقق این امر مستلزم وجود یک قوه اجرایی کارآمد جهت اجرای حکم است، چه بسا این که کشورهای که فاقد این بازوی اجرایی هستند نتوانسته‌اند به درستی عدالت را در جامعه جایگزین کنند و این مشکل قوه قضاییه کشورها را بر آن داشته که برای اجرای احکام خود، پلیس قضایی مستقل تأسیس کنند.

بدیهی است این امر در درون مرزهای یک کشور به واسطه اقتدار و تسلطی که دولت بر اتباع خود دارد و با توجه به ساز و کارهایی که پیش‌بینی شده و با توسل به نیروهایی مانند پلیس و سایر نیروهای انتظامی امکان‌پذیر بوده و اجرای آن غالباً به‌سادگی انجام می‌شود و عمدتاً کشورها در این زمینه با مشکلی مواجه نیستند.

عنوان مقاله: عدالت در جرم‌شناسی

استقلال قوه قضاییه و به تبع آن استقلال قضات، از آنچنان اهمیتی برخوردار است که معمولاً این موضوع در قانون اساسی کشورها آورده می‌شود تا ضمن بالا بردن اهمیت موضوع، استقلال دستگاه قضایی کمتر مورد آسیب و خدشه قرار گیرد. اصول یک‌صد و پنجاه و ششم و یک‌صد و شصت و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این موضوع را مورد تأکید قرار داده است.

قاضی دادگاه می‌بایست مستقل از هرگونه وابستگی سیاسی، قومی، ملی، نژادی و مذهبی باشد تا بتواند فارغ از هرگونه تعلقات فکری و بدون واژه از دست دادن موقعیت خود اقدام به صدور آرای عادلانه کند.

تخصص را می‌توان در قالب وجود یک عده قضات تحصیل کرده و با تجربه تعریف کرد که البته در موضوعات ارجاعی نیز از تخصص ویژه مربوط





به خود بهره‌مند باشند، در حال حاضر ارجاع موضوعات متنوع و مختلف به یک قاضی را به لحاظ پیچیدگی موضوعات حقوقی و لزوم پرداختن به این موضوعات به صورت دقیق‌تر، مغایر با اصل تخصص‌گرایی می‌دانند اگرچه که قاضی مربوط، اطلاعات کلی علم حقوق را دارا است.

در این مرحله میزان تحصیلات قضات، نحوه آموزش بدو خدمت و مدت و میزان آن، مدارک و مدارج تحصیلی قبل و در حین خدمت قضات، سابقه فعالیت در حرفه وکالت قبل از ورود به شغل قضاوت، از جمله معیارهای هستند که برای ارزیابی تخصصی قضات مورد توجه قرار می‌گیرد.

سابقه فعالیت یک دادگاه در دراز مدت و کسب اعتباری که این دادگاه با صدور آرای عادلانه و بی طرفانه خود در جهت احقاق حق صادر می‌کند و اعتمادی که به این وسیله به سیستم دادگاه و قاضی ایجاد می‌شود، باعث کسب مشروعیت برای یک دادگاه می‌شود. در این زمینه می‌توان به دادگاه‌های "شرع" در کشورهای اسلامی، دادگاه‌های "کامن‌لا" در انگلستان و بسیاری دیگر از دادگاه‌های دیوان عالی کشورها اشاره کرد که با اتکا به فعالیت طولانی خود، به طور نسبی از این مشروعیت برخوردار شده‌اند. به عنوان مثال دیوان عالی ایالات متحده آمریکا در پی بروز اختلاف در مورد تقلبات انجام گرفته در انتخابات پیشین ریاست جمهوری آمریکا، رای خود را به نفع جورج بوش صادر کرد و علی‌رغم قابل مناقشه بودن این رای، مردم به لحاظ اعتمادی که به دیوان مذکور داشتند، رای صادر شده را به راحتی پذیرفتند.

هر پدیده‌ای در جهان ریشه و اساسی دارد و حقوق نیز به عنوان یک پدیده اجتماعی دارای اساس و بنیانی است. در مجموع می‌توان گفت که رژیم‌های حقوقی بر سه مکتب فکری بنیان گذارده شده‌اند و اگرچه این سه مکتب در تطورات تاریخی تغییر یافته و تجزیه شده و نام‌های دیگری

یافته‌اند اما کماکان در جمع‌بندی کلی از حیثه این سه مکتب بیرون نمی‌روند که به طور خلاصه به هر یک از آنها اشاره می‌شود.

نظریه اسلام در باره بنیاد حقوق در این جمله خلاصه می‌شود که: «مقررات الزام آور حقوقی باید بر اساس فطرت و طبیعت انسان استوار باشد آن هم بر طبق رهنمودهایی که خداوند به وسیله وحی از طریق پیامبر معصوم به انسان‌ها ابلاغ کرده است. از دیدگاه اسلام آن نظام حقوقی درست، استوار و شایسته حکومت بر انسان‌ها است که بنیادی الهی داشته باشد.» این نظریه را می‌توان از فرازهایی که در آیه ۳۰ از سوره مبارکه روم با رساترین بیان آمده است، استنباط کرد.

این فرازها به شرح زیر است:

«فاقم وجهک للددین حنیفاً

فطرت الله التي فطر الناس علیها

لا تبدل لخلق الله

ذلک دین القیم ولکن اکثر الناس لا یعلمون».

این مکتب به مکتب تحقیقی نیز ترجمه شده که به عقیده برخی از حقوق دانان یک خطای مشهور است. پیروان این مکتب معتقدند که اراده برترین مقام جامعه، که می‌تواند دولت و یا هیات حاکمه باشد، نیروی سازنده حقوق به شمار

**صلح بدون وجود عدالت به دست نمی‌آید و عدالت نیز بدون وجود یک دادگاه مقتدر و دائمی ایجاد نمی‌شود. پس دنیا باید یک دادگاه جنایی بین‌المللی داشته باشد که این صلح و امنیت را تضمین کند.**

می‌رود. سپس اینان اراده دولت را رأساً ارج می‌نهند و آن هم بدان حد که قوانین را تنها به همین دلیل که از خواست و اراده او برآمده است، الزام آور و مشروع می‌دانند.

این مکتب به مکتب حقوق طبیعی شهرت یافته و بر خلاف مکتب اصالت وضع، طرفداران آن معتقدند که اراده دولت و هیات حاکمه به تنهایی منبع حقوق نیست؛ بلکه اراده دولت‌ها در وضع قوانین تابعی از ضرورت‌ها، ارزشها و معیارهایی است که مستقل از خواست انسان‌ها در جامعه وجود دارند و این امور از اصالت بر خوردار هستند و به صورت عینی و مستقل از اراده مردم، در جامعه وجود دارند.

این مکتب به مکتب حقوق طبیعی شهرت یافته و بر خلاف مکتب اصالت وضع، طرفداران آن معتقدند که اراده دولت و هیات حاکمه به تنهایی منبع حقوق نیست؛ بلکه اراده دولت‌ها در وضع قوانین تابعی از ضرورت‌ها، ارزشها و معیارهایی است که مستقل از خواست انسان‌ها در جامعه وجود دارند و این امور از اصالت بر خوردار هستند و به صورت عینی و مستقل از اراده مردم، در جامعه وجود دارند.

گاهی اوقات مشروعیت یک دادگاه از سوی مردم مورد انکار قرار می‌گیرد علی‌رغم اینکه آن دادگاه تمام معیارهای مشروعیت را داراست و این امر به دلیل آن است که مردم دولت متبوع دادگاه را نامشروع می‌دانند و بالتبع مشروعیتی نیز برای دادگاه منصوب از سوی آن دولت قائل نیستند. در این زمینه می‌توان به دیدگاه مسلمانان فلسطینی نسبت به دادگاه‌های اسرائیلی اشاره کرد و به دلیل اینکه فلسطینی‌ها رژیم اسرائیل را نامشروع می‌دانند، قهراً مشروعیتی نیز برای دادگاه‌های آن قائل نیستند.

مثال دیگر در این مورد دیدگاه مردم آمریکا نسبت به دادگاه‌های "کامن‌لا" در زمان سلطه انگلیس بر این کشور بود. مردم آمریکا حاکمیت استعمار انگلیس بر کشور خود را به رسمیت نمی‌شناختند، لذا آرای صادر شده از سوی دادگاه‌ها را نیز نامشروع و غیرقانونی می‌دانستند با توجه به این واقعیت که دادگاه‌های "کامن‌لا" در آن زمان از سایر معیارهای مشروعیت، بهره‌مند بودند.

این مکتب به مکتب حقوق طبیعی شهرت یافته و بر خلاف مکتب اصالت وضع، طرفداران آن معتقدند که اراده دولت و هیات حاکمه به تنهایی منبع حقوق نیست؛ بلکه اراده دولت‌ها در وضع قوانین تابعی از ضرورت‌ها، ارزشها و معیارهایی است که مستقل از خواست انسان‌ها در جامعه وجود دارند و این امور از اصالت بر خوردار هستند و به صورت عینی و مستقل از اراده مردم، در جامعه وجود دارند.

بخش اولی که در این مبحث می‌بایست مورد

بررسی قرار گیرد؛ عدالت است، در مورد مفهوم عدالت بحث شد اما شاید بتوان گفت که علی‌رغم تمام تعریف‌هایی که از عدالت داده می‌شود مردم جهان با وجود دارا بودن فرهنگ‌ها و سلیقه‌های مختلف در مورد واژه عدالت، دارای یک اجماع نظر باشند چون شناخت عدالت ناشی از یک فهم فطری است و نیازی به تطبیق آن با معیارهای خارجی ندارد.

آنچه که مورد نیاز بحث ما است، مواردی است که قاضی را از عدالت خارج می‌کند که بارزترین آن اخذ رشوه است. ظاهراً لغت رشوه با شغل قضاوت که از اولین مشاغل دولتی در تاریخ بوده، همزاد است. آنچنان که «عبید زاکانی» در هفتصد سال پیش در کلیات خود در بحث عدالت و در باب مذهب منسوخ، عدالت را به شیوایی تمام تعریف می‌کند و در مذهب مختار به آنچه که عمل می‌شود می‌پردازد و در آخر بحث می‌گوید: «پادشاهان از پی یک مصلحت صد خون کنند» و در رساله تعریفات خود از این تعابیر استفاده کرده است.<sup>(۵)</sup>

- الرشوه: کار سازی بیچارگان.

- القاضی: آنکه همه او را نفرین کنند.

- چشم قاضی: ظرفی که به هیچ (با هیچ چیزی) پر نشود.

- نایب قاضی: آنکه ایمان ندارد.

- السعید: آنکه هرگز روی قاضی نبیند.

صرف نظر از اینکه «عبید زاکانی» با توجه به شرایط حاکم بر جامعه اش تیغ تیز انتقاد را بر روی کلیه صنوف باز کرده اما تعابیری که به‌کار برده، اجمالاً دیدگاه مردم یک کشور در مورد قضاوت خودشان در یک مقطع تاریخی است و اکنون نیز در بین مردم دنیا تعابیری کم و بیش مانند این وجود دارد. حال چطور می‌توان این وجه از مشروعیت را برای دادگاه جنایی بین‌المللی ایجاد کرد در حالی که مردم در مورد عدالت قضاوت خود مردود هستند و چطور می‌توان به مردم جهان این اطمینان را داد که قضاتی که از اقصی نقاط دنیا در یک محل جمع شده‌اند، عادل هستند.

ممکن است این شائبه ایجاد شود که این

## عادل بودن قاضی و داشتن صفت عدالت از مهم‌ترین ویژگی‌های یک دستگاه قضایی است، و در واقع هدف اصلی از تأسیس دادگاه‌ها ایجاد و گسترش عدالت در جامعه است که بدون وجود قضاتی عادل ایجاد آن ممکن نیست.

مشکل مبتلا به کشورهای جهان سوم است و در کشورهای پیشرفته این مشکل وجود ندارد و مردم آن دیار به عدالت قضاوت خود ایمان دارند که در این زمینه خوانندگان محترم را به سخنرانی «اوان دیویس» در آوریل سال ۲۰۰۲ م، در انجمن حقوق دانان آمریکا در انتقاد نسبت به نحوه انتخاب قضاوت در این کشور و حزب‌گرایی که در انتخاب قضاوت اعمال می‌شود، جلب می‌کنیم.<sup>(۶)</sup>

۲-۲) توانایی اجرای حکم:

همان‌طور که گفته شد اجرای یک حکم قضایی در داخل یک کشور، به واسطه حق حاکمیت و اقتداری که دولت در خاک خود دارد و با توجه به ساز و کارهایی که پیش‌بینی شده، امکان‌پذیر می‌شود ولی آیا این اقدام در جامعه بین‌الملل هم به همین سادگی امکان‌پذیر است؟

اولین اصل در حقوق بین‌الملل اصل حاکمیت و احترام متقابل بین کشورها و اصل برابری کشورها در جامعه بین‌الملل است؛ حال چطور می‌توان حکم صادر شده در یک دادگاه بین‌المللی را در قلمرو حاکمیت یک دولت دیگر به مورد اجرا در آورد و ساز و کار آن چیست؟

همان‌طور که در سنوات اخیر مشاهده کردیم، قطعنامه‌های فراوانی علیه رژیم بعث عراق، به علت جنایاتی که رژیم مذکور مرتکب می‌شد، به تصویب رسید و تحریم‌های مختلفی نیز علیه بغداد اعمال شد اما عملاً بی‌نتیجه بود تا اینکه با

یک حمله نظامی رژیم صدام برچیده شد و زمینه محاکمه سران آن فراهم شد و یا در قضیه لاکربی که دو تن از اتباع لیبی در دادگاه‌های خارج از لیبی محکوم شده بودند، قریب ده سال طول کشید تا لیبی حاضر شد پس از تحریم‌های فراوان تن به اجرای حکم داده و اتباع خود را به دادگاه تحویل دهد و این دو مورد مؤثرترین اقداماتی بوده‌اند که تا کنون برای اجرای یک تصمیم بین‌المللی به مورد اجرا درآمده است.

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان با این ساز و کارهای کند، ناکارآمد، زمان‌بر و پرهزینه به احکام دادگاه‌های بین‌المللی اثر و حیات بخشید و آن را در جامعه بین‌المللی اجرا کرد؟ یا جامعه بین‌المللی حاضر است مجدداً برای اجرای چنین احکامی و تحقق عدالت، چنین هزینه‌های سنگینی را پردازد؟ و نهایت اینکه اگر منافع کشورهای درگیر در این ماجراها ایجاب نمی‌کرد آیا اصولاً این اقدامات انجام می‌شد؟

پاسخی که مؤسسين دادگاه جنایی بین‌المللی به این انتقاد می‌دهند این است که در کشورهای دمکراتیک اعمال و اجرای قانون در داخل یک کشور بر اساس ایده «قرارداد اجتماعی» انجام می‌شود و این توافق جمعی است که به اجرای حکم در داخل یک قلمرو و مشروعیت می‌بخشد؛ نه قدرت حاکم. بنابراین به موجب این توافق جمعی می‌توان اجرای یک حکم را در جامعه بین‌الملل و در کشور دیگر مهیا و میسر کرد.

در پاسخ به این توجیه بایستی گفت که اگر از این منظر هم به دادگاه جنایی بین‌المللی نگاه کنیم باز چنین اجماع و یا چنین قراردادی وجود ندارد چون کشوری مانند آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی، کشور ژاپن به‌عنوان دومین قدرت اقتصادی، کشورهای چین و هند به‌عنوان پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان، روسیه به‌عنوان پهناورترین کشور و اندونزی و پاکستان به‌عنوان پر جمعیت‌ترین کشورهای اسلامی هنوز به این طرح نپیوسته‌اند و در واقع این قرارداد اجتماعی هنوز به وجود نیامده است و تنها اروپایی‌ها پشتیبان آن هستند.



"چرچیل" سیاستمدار و دولتمرد مشهور انگلیسی جمله معروفی دارد که واقعیت جامعه بین الملل و روابط فی مابین آنان را برملا می سازد و پرده از تعارفات سیاسی بین کشورها فرو می افکند و آن مطلب این است: «انگلستان به جز منافع خود، هیچ دوست دائمی ندارد.»

اگر چه این مطلب از سوی یک فرد انگلیسی بیان شده ولی واقعیت امر این است که تمام کشورها به این اصل اعتقاد دارند و این اصل در روابط بین آنها ساری و جاری است، به عنوان نمونه چین در موارد معدودی که تا کنون از حق وتوی خود در شورای امنیت استفاده کرده جملگی علیه کشورهایی بوده است که تایوان را به رسمیت می شناخته اند و در واقع چین از این سازوکار بین المللی که به منظور ایجاد عدالت و جلوگیری از مناقشات بین المللی در اختیارش قرار داده شده، تنها در جهت منافع خود استفاده کرده است و موارد استفاده آمریکا و انگلیس از این حق، در جهت منافع خودشان با توجه به مثال های فراوانی که در این زمینه وجود دارد، نیازی به تشریح ندارد. حال این سؤال مطرح می گردد که با توجه به شرایط حاکم بر روابط کشورها که جنگ بر سر کسب منافع بیشتر به نحو مطلق است، آیا می شود تصور کرد که کشوری قاضی ای را به دادگاه جنایی بین المللی اعزام کند که منافع آن کشور و یا هم پیمانانش را فدای عدالت کند و اگر چنین قاضی ای برخلاف این امر، منافع کشورش را فدای عدالت کرد، آیا تضمینی وجود دارد که او بتواند به کار خود ادامه دهد؟

شاید تنها موضوعی که کمتر محل مناقشه باشد، موضوع تخصص است. اما در همین مقال هم این سؤال مطرح است که اگر ترکیب قضات دادگاه متشکل از قضاتی باشد که تابع مکاتب حقوقی مختلف باشند و رژیم حقوقی خود را به عنوان بهترین رژیم حقوقی به رسمیت بشناسند و از سوی دیگر با آیین های دادرسی متفاوتی کار کرده و دارای زبان و فرهنگ و مذهب مختلفی

باشند، چه مشکلی پیش می آید و آیا آنها می توانند در یک ترکیب و با وجود تمام این تناقضات با یکدیگر همکاری کرده و آرای عادلانه ای صادر نمایند؟

همان طور که گفته شد سابقه فعالیت یک دادگاه در دراز مدت و کسب اعتباری که با صدور آرای عادلانه و بی طرفانه در جهت احقاق حق صادر می کند و اعتمادی که به این وسیله به سیستم دادگاه و قاضی ایجاد می شود، باعث کسب مشروعیت برای یک دادگاه می شود اما در مورد دادگاه جنایی بین المللی که تازه تأسیس است و سابقه فعالیتی در این زمینه ندارد نمی توان از این منظر مشروعیتی قائل شد.

یافتن یک سیستم دادرسی که بتواند نظر کلیه کشورهای تابع رژیم های حقوقی مختلف را تأمین کند، قدری مشکل است؛ به ویژه کشورهای اسلامی که بیشتر تابع حقوق شرع هستند و اصولاً مشروعیتی برای دادگاه های عرفی قائل نیستند. از سوی دیگر اعتقاد کلی مسلمانان که برگرفته از تعالیم قرآن کریم است مبتنی بر نفی هرگونه تسلط از سوی پیروان ادیان دیگر بر مسلمانان است که قطعاً این مشکلات ادامه فعالیت دادگاه مذکور را با مانع جدی مواجه خواهد کرد.

در روابط حاکم بر جامعه بین الملل، منافع ملی کشورها به جای عدالت جهانی موضوعیت و محوریت دارد. نتیجه اینکه مناسبات عادلانه ای بین آنها برقرار نمی شود و دولت ها با اتکا به قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی خود اهداف خود را پیش می برند.

از سوی دیگر کشورها در جامعه جهانی، حاکمیتی مستقل و برابر بر قلمرو خود دارند و برابر قوانین، توفقی از سوی یک کشور بر کشور دیگر نیست و به همین دلیل امکان اجرای حکم صادر شده در دادگاه های بین المللی در داخل یک قلمرو و به راحتی میسر نیست. از طرفی بسیاری از کشورهای مقتدر دنیا طرح تأسیس دادگاه جنایی

بین المللی را امضا نکرده اند و بدون مشارکت این کشورها امکان موفقیت دادگاه های مذکور بسیار کم است.

علاوه بر مواردی که گفته شد مشکلات دیگری از قبیل رژیم های حقوقی متفاوت، اختلافات گوناگون اجتماعی و فرهنگی، عدم اطمینان مردم جهان نسبت به عدالت قضات و مشکلات دیگر نیز وجود دارند که باعث می شوند دادگاهی با ویژگی ها و اهداف فوق عملاً تشکیل نشود و یا در صورت تشکیل ادامه فعالیتش با بن بست مواجه شود.

۱- سایت سازمان ملل متحد: [www.un.com](http://www.un.com)

۲- سخنرانی کوفی عنان در سازمان ملل متحد به آدرس اینترنتی فوق.

۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.

۴- خلیلیان، سیدخلیل، حقوق بین الملل اسلامی، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

۵- کلیات عبید زاکانی، چاپ دوم، سال ۱۳۴۲، انتشارات تهران مصور.

۶- دادرسی در آمریکا، مولف، جورج جی روینسون - مترجم: مرتضی درودیان، انتشارات فکر سازان.